

پدری به قتل همسر و دخترش کرد

18 شهریور 1404

مدیر اخراجی که در اقدامی جنون‌آمیز همسر و دخترش را با شلیک گلوله به قتل رسانده بود با گذشت بیش از یک ماه از این جنایت، لب به اعتراف گشود.

روز 4 مرداد امسال مرد جوانی هراسان با پلیس تماس گرفت و از قتل همسر و دختر 13 ساله‌اش در خانه خبر داد. وقتی مأموران پلیس راهی واحد 19 برجی لوکس در منطقه چیتگر تهران شدند، داخل اتاق خواب اجساد خونین مادر و دختر را پیدا کردند و مشخص شد مقداری پول و طلا نیز از گاو صندوق خانه به سرقت رفته است.

پدر 45 ساله خانواده گفت: «صبح که از خانه خارج شدم همسر و دخترم خواب بودند. برای انجام کاری به بانک رفتم و زمانی که بازگشتم با این صحنه روبه‌رو شدم.»

در ادامه تحقیقات مشخص شد در ورودی خانه سالم است اما مرد جوان اصرار داشت که نشان دهد افرادی ناشناس وارد خانه‌اش شده‌اند و پس از قتل، دست به سرقت زده‌اند. با این حال در اولین گام کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت به سراغ دوربین‌های مداربسته برج رفتند. داخل راهروها دوربین نداشت اما در خروجی برج مجهز به دوربین بود. بررسی تصاویر نشان داد غیر از ساکنان برج در ساعت وقوع جنایت، هیچ فرد ناشناسی وارد برج نشده است. همین مسأله نشان می‌داد مرد جوان واقعیت را بیان نکرده است از سویی در تحقیقات از همسایه‌ها مشخص شد که وی با همسرش اختلاف داشته و صدای بلند مشاجره آنها چندین بار به گوش رسیده است. با کنار هم قرار دادن مدارک و شواهد پلیسی، مرد 45 ساله به‌عنوان تنها مظنون پرونده، بازداشت شد.

وی گرچه در این مدت سکوت کرده بود اما درنهایت روز گذشته لب به اعتراف گشود و راز قتل‌ها را برملا کرد.

اخراج از کار و مشکلات خانوادگی



متهم درباره جزئیات این جنایت گفت: «من در یکی از ادارات دولتی مدیر بودم و وضع مالی خوبی داشتم اما حدود یک سال قبل به خاطر مسائلی مرا اخراج کردند. خیلی ناراحت بودم و از این موضوع به همسرم حرفی نزدم برای اینکه همسرم متوجه نشود هر روز صبح از خانه خارج می‌شدم و ظهر برمی‌گشتم و به او می‌گفتم که سر کار بودم. اوایل از پس اندازم استفاده می‌کردم و بعد از آن از این طرف و آن طرف قرض می‌گرفتم. اما با پول قرضی نمی‌توانستم توقعات همسرم را برآورده کنم و همین مسأله باعث دعوا و درگیری بین ما شده بود.»

چرا دست به قتل زدی؟

صبح روز حادثه با همسرم دعوایم شد. او به سمت گاوصندوق رفت و اسلحه‌ای را که داخل آن بود، برداشت. می‌گفت می‌خواهد خودش را بکشد من به سمتش رفتم تا اسلحه را از او بگیرم که باهم درگیر شدیم و یک تیر شلیک شد و همسرم به قتل رسید.

دخترت را چرا کشتی؟

وقتی تیر شلیک شد سر بلند کردم و دیدم دخترم وحشت زده و شوکه بالای سر ما ایستاده است. با خودم گفتم بچه‌ای که شاهد قتل مادرش به دست پدرش بوده دچار بیماری روانی می‌شود از طرفی مادرش که مرده مرا هم دستگیر می‌کنند او بدون خانواده در این جامعه چه بلایی سرش می‌آید به همین خاطر او را هم کشتم.

بعد از جنایت چه کردی؟

چند ساعتی بالای سر آنها گریه کردم بعد تصمیم گرفتم با صحنه‌سازی خودم را بی‌گناه نشان دهم. نقشه ات چه بود؟

خانه را بهم ریختم که به نظر برسد دزد وارد شده بعد طلاها و دلارهای داخل خانه را در انباری جاساز کردم. بعد هم به بانک رفتم و ساعاتی آنجا مشغول بودم و زمانی که به خانه رسیدم به پلیس زنگ زدم. با اسلحه چه کردی؟

در قسمت ضایعات و نخاله جاده بهشت زهرا دفن کردم.

چه شد اعتراف کردی؟

من دو نفر را به قتل رسانده بودم عذاب وجدان لحظه‌ای رهايم نمی‌کرد بالاخره تصمیم به اعتراف گرفتم.

مرضيه همایونی